



یادداشتی از هوشنگ ظریف
به یاد
آهنگ های قدیمی

صفحه ۸

چهارشنبه ۲۴ مرداد ۱۳۸۶ شماره ۴۲۷ ♦

ایستگاه نخست

از شنونده منفعل به خواننده فعال

■ محسن گودرزی ■



فرم هنری واجد معنایی اجتماعی است ولی اغلب زیر سایه محتوای هنری نادیده گرفته می شود. تحلیل فرم از رویکردی هنری فراتر رفته و به حوزه های اجتماعی و فرهنگی بسط می یابد. در این نوشته به بهانه اجرای مرغ سحر قصد دارم تغییر در فرم اجرا را با تحول دوگانه خواننده/شنونده به شنونده/خواننده پیوند بزنم. این تنها یک ایده است و شاید بتوان آن را بیشتر بسط داد.

کنسرت شجریان و حتی آثار او همواره از یک صورت صرفا هنری فراتر می روند و معنایی اجتماعی را خلق می کنند. شجریان همواره در متن و زمینه ای اجتماعی تفسیر و خواننده می شود. این موسیقی حتی آن هنگام که نوا عاشقانه سر می دهد، باز هم مستعد حمل معنایی اجتماعی است.

آثار او تجربه های متنوع اجتماعی مانظر دارد و هر یک از این تجربه ها آثار او به نحوی بازتاب یافته اند. هر کس می تواند تصویری را که دوست دارد، از او بسازد. از او می توان تصویر هنرمندی دینی ساخت چنان که هنرمندی معترض نیز رویایی صادق از آثار او خواهد بود. او لحظه های امید را خوانده است آنجنان که نوا ی باس و سحروردگی نیز سر داده است. از این روست که دیدار آن، شجریان را بیشتر با زینا و قرآنت قرآن می شناسند.

دیگرانی او را شجریان بنیاد ر و انقلابیون و میهن دوستان شجریان ایران ای سزای امید راه و آنها که عارفند شجریان را با املاک ذکر تو گویم و آنها که عاشقند شجریان با باطاهر و شجریان شب سکوت کویر ماهور دادند به شب های تارای ایران. اما در این همه موقعیت ها شجریان در موقعیت نمایندگی و به منزله زبان گروه های مختلف اجتماعی نشسته است. این موقعیت دوگانه خواننده/شنونده را تولید کرده که خواننده و زبان شنونده است.

استاد ظاهر اشما از این کنسرت تا راضی تر هستی تا کنسرت قلبی؟

به نظرم جو خیلی خوبی داشتیم، موجی که از طرف سالن به طرف ما آمد سر مثبت و خوبی بود، خیلی مثبت و خوب بود. ما روی صحنه آرامش کامل داشتیم و می شد خیلی خوب کار کنیم و فارغ از مشکلات قبل وبعد کنسرت، به خوبی با مردم ارتباط برقرار کنیم.

چه شد که این بار با گروه آواز روی صحنه آمدید؟

ما این هنرمندانی که این بار در این گروه جدید روی صحنه آمدیم قبلا هم کار کرده بودیم و فقط آقای درخشانی در گروه های قبلی بودند. آقای فریدی و آقای چوچری که در گروه های قبلی بودند. همایون من هم که برای نا تیب هستم و با گروه آوا همیشه کار می کردیم. گروه آواز زمانی که تشکیل شده به چند طریق فعالیت کرد، دست و چندان بار هنرمندانش عوض شده. نوازندگان ستور، ترانو، در طول فعالیت عوض شده اند. نوازندگان کمانچه و تنبک و عودش ثابت مانده اند. قبلا در گروه آوا آقایان پریاگان، لطفی، شهابزیرمان طاهری، عدلیلی و بهزاد فوهری همکاری داشتند.

چه شد که همکاری نا تا با عزله و کلهر ادامه پیدا نکرد؟

ما پنج سال با آقای حسین عزله و آقای کیهان کلهر کار کردیم. آقای عزله و آقای کلهر تمهاتی داشتند و من هم مدتی بود که از گروه سابق دور افتاده بودم و هر کدام رقم سراغ گروه های قبلی ما می کردند.

بعد از پنج شش سال رفتن سراغ گروه قبلی چه حال و هوایی داشت؟

بقیه هنرمندان گروه قبلا هم با هم کار کرده بودیم. امسال آقای درخشانی به گروه اضافه شده اند که هم از نوازندگی شان استفاده می کنیم و هم از آهنگسازی شان. به نظرم هر خوبی شده است. همیشه سعی می کنم گروهی را تشکیل می دهم، گروه هم مدلی باشم. وقتی هم ملان باشم و صمیمیت باشد، حال و هوای گروه خوب خواهد بود و کار هم خوب می شود. این دفعه تشخیص دادم که این گروه با همه فحنت اند و حال و هوای خوبی دارند و من راضی بودم از این گروه.

گروه قبلی چه؟

گروه قبلی هم خوب بود. به طور کلی خوشبختانه همیشه از گروه های کمر هم جمع می شوم. برای هنم، نا تا، گروه راضی ناشم روی صحنه نمی روم. وقتی روی صحنه می روم که با گروه هم ملان باشم، ولو نو فرم باشم، اگر دو نفر روی صحنه باشم، یعنی نفر بعدی هم روی صحنه رفته.

دربان گروه آهنگسازی چه وضعیتی داشت؟

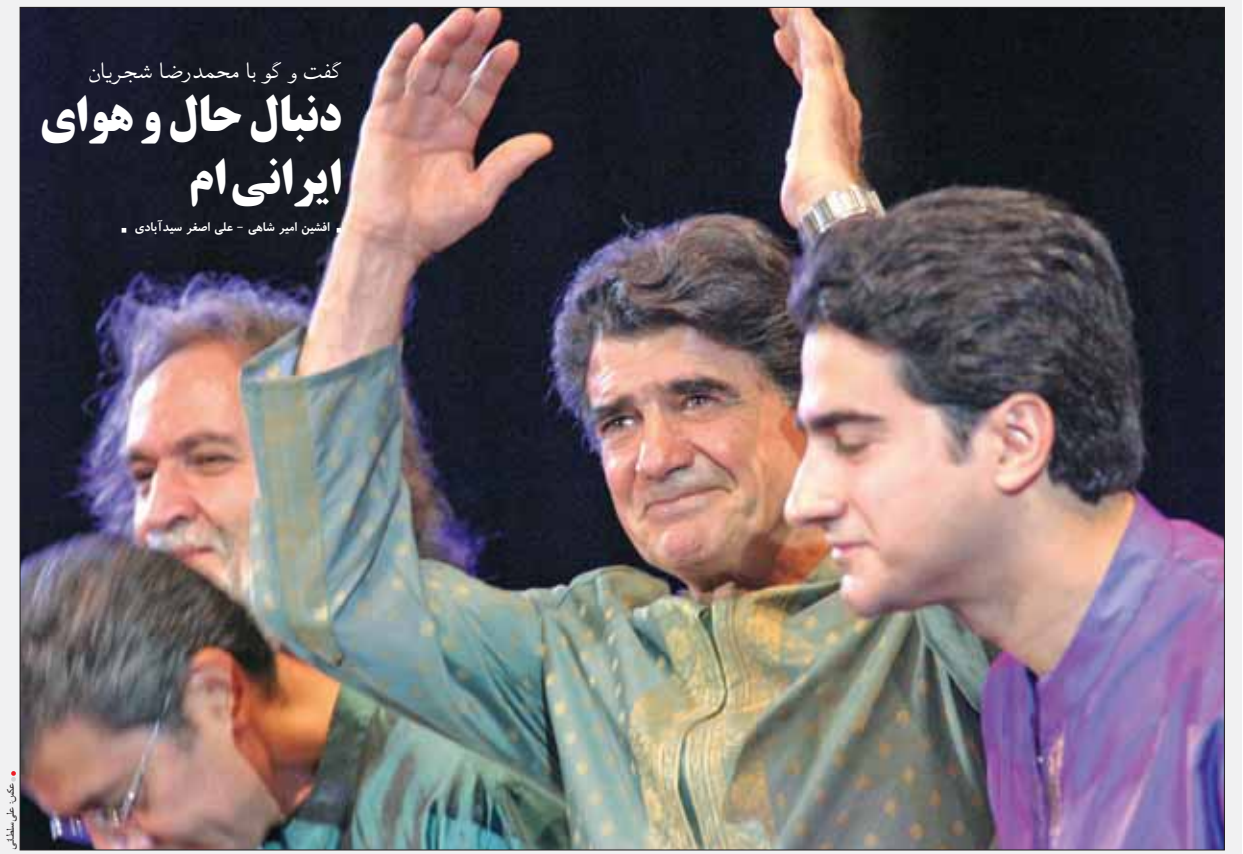
قطعه های نا تا از خود بود. من همیشه عادت دارم روی شعرها آهنگ را خودم می گذارم و بعد به دوستانی که دستی در کار آهنگسازی دارند می دهم. البته لای آن آهنگی بگذارند و تنظیم کنند. یکی دو تا از آهنگ ها را آقای چوچری رویکی دو تا هم آقای درخشانی موسیقی می لایه شان گذاشتند و تنظیم کردند. این تنظیم این آهنگ ها مثل آهنگ های بزرگ خیلی تنظیم گسترده ای نیست. یک قطعه ای به نام دیدار که قطعه طولانی بود فکر کنم ۳۵ دقیقه ای طول می کشید. این قطعه به طور کامل از آقای چوچری بود. من براسم گروه های که اینها ساخته بودند فکر کردم که چه کار می شود کرد و چه جوری می شود از آهنگ داشت که یک بخش ریمیک گذاشت و دیو بخش آوازی. این قطعه خیلی قلمه بر اساس روی جیتی بود و این که ۱۵ دقیقه طول می کشید. در پایان به لوح ششور می رسید و من خیلی از این قطعه خوشم می آمد. بعد بعد هم که در تنظیم های شروع می شد و چهل ضرب را با او سوله و جوب ها بر اساس شیوه های که داشتیم، ما همیشه سعی می کنیم که بر اساس همان شیوه خوانمان کار کنیم. البته هر بار هم می توانیم تغییر دهیم. البته البته باقیمانده هم با او کار می کنیم. این قطعه هم در آهنگسازی جلدی های هم این مان.

سورچونج را که یکی از کارهای قدیمتان است و شعرش هم از حافظ است، در این کنسرت اجرا کردید چه شد که در شب سعدی یاد



یادداشتی از ضیا محمد شجریان
حافظ خوان است
صفحه ۸

هنر ♦ ۷



**گفت و گو با محمدرضا شجریان
دنبال حال و هوای
ایرانی ام**

افشین امیر شاهی - علی اصغر سیدآبادی ■

پس یکی دیگر از مشکلات گروه نوازی با سازهای ایرانی آهنگسازی هم هست؟

همه اینها هست، ما برای کار گروه نوازی روی صحنه مجبوره ای از مشکلات داریم.

یکی از نقدهایی که تقریبا بیشتر از آوا دید، اما نقد دیگری هم مطرح می شود که چرا اسناد با سازهاست یا ارکستر کار نمی کنند. همین گروه نوازی است که گاهی برخی از متقدان وارد می کنند، همین گروه نوازی است که تقریبا بیشتر از آوا دید، اما نقد دیگری هم مطرح می شود که چرا اسناد با سازهاست یا ارکستر کار نمی کنند. شما تجربه های می داشتید و چند کار مثل دود عود و جان عشاق را با ارکستر ضبط و منتشر کرده اید که مورد استقبال هم واقع شده است. کار ارکستری ممکن است برای خارجی ها جذابتی نداشته باشد، چون ارکسترهای بزرگ دیدند، اما بالاخره شنوندگان اصلی شما ایران هستند و این تقاضا هم باید پاسخ داده شود.

بله ما مردم که از مشکلات ما خبر ندارند (با خنده) الان آن ارکستر بزرگی می خوانند. در این دیگر کمناجی نمی زند. همایش ویولن است و سازهای فرنگی. کلهی وقت هم یک بازی، سنتوری یا نای هم می آورند آنجا که جمله خاصی را به آن می دهند. ما از آن کاروری دوش ویولون ویولون سل و تریباس و کلهی وقت پیانو و سازهای دیگر فرنگی است. کسانی که سازهای کلاسیک می زنند، آن احساس سازهای ایرانی را نمی توانند پیدا کنند. تکنیکشان به گونه ای است که فواصل را به گونه ای می گویند که موسیقی کلاسیک دارد موسیقی ما حال و هوای خاصی دارد. این نوع بردها و این نوا سازی که باید داده شود، برای نوازندگان این سازها آشنا نیست. من حتی وقتی رفته ام در استودیو هم ضبط کرده ام، بعد بشنیدم که چرا با ارکستر بزرگ کار کرده ایم. فواصل ما را حتی نمی توانند بگیرند. ما سازهای بادی مشکل داریم، ویولون ما آن نوا سازها و هوایی را که نوازنده کمانچه دارد، منتقل نمی کنند. اغلب نوازندگان ویولن حسن ایرانی را ندارند و تک و تک شلید. بنویسم یک نوازندگی را که بتوانند حسن و حال موسیقی ایرانی را منتقل کنند. و این کافی نیست، ما وقتی پنج ویولن داریم این پنج ویولن باید با حسن ایرانی و فواصل ایرانی بتوانند نوازند.

ولی ویولن قبلا در موسیقی سنتی ایران بیشتر استفاده می شد و در برنامه گل ها ویولن نقش مهمی داشت.

بله آن موقع که برنامه گل ها بود، آن صدایی که در برنامه گل ها ویولن می آمد، شنیدن آن در کنسرت ها نمی توانید بشنید. آن کسانی که آن سازها را در برنامه گل ها ویولن می زدند، کی ها بودند؟ آن نوا سازی سیاه بود. صدای قفلون صریح بودند، تجردی بود، همایون خرم بود، مرتضی پوروسا بود، و محمود و ویولون بودند. آن نوازندگی ایرانی بودند که گوششان به فواصل ایرانی آشنا بود و ویولون می زدند.

یعنی تجربه صبا منتقل نشد

این تجربه منتقل نشد و ویولون نوا های ما رفتند کلاسیک کار شدند. وقتی کلاسیک کار شدند، دیگر حسن ایرانی ندارند. الان شما محال است بتوانید آن برنامه قدیم گل ها را بازسازی کنید. بعد این که تکنیک ها خیلی بالا است. تنظیم های خیلی شگفتناکی پیدا کرده، اما آن حال و هوای آن برنامه گل ها آن موقع داشت. نمی توانیم با سازهای بیکیم و محرومیم از این مسأله. من چند کار دارم که در کنسرت بزرگ ضبط کرده ام. وقتی می شنوم می بینم که حسن ایرانی ندارد و من هم پیش تر ندانم حسن و حال و هوای ایرانی ام. الان می گویم کلان به جای ویولن از چند کمانچه استفاده می کردم. به جای فلوت و سازهای غربی این استفاده می کردیم، اما یک نکته هم هست که ما آن نوع صدا را نداریم، ما یک نای داریم و آنها انواع و اقسام سازهای بادی را دارند. نوازندگان سازهای آوا هستری که بتوانند حسن ایرانی را منتقل کنند، خیلی کم هستند و ما مشکلاتمان با ارکستر فقط همین مسأله است و اگر نه هیچ مشکل دیگری نداریم.

ادامه در صفحه ۸

حافظ ظاهرا اشما از این کنسرت تا راضی تر هستی تا کنسرت قلبی؟

به نظرم جو خیلی خوبی داشتیم، موجی که از طرف سالن به طرف ما آمد سر مثبت و خوبی بود، خیلی مثبت و خوب بود. ما روی صحنه آرامش کامل داشتیم و می شد خیلی خوب کار کنیم و فارغ از مشکلات قبل وبعد کنسرت، به خوبی با مردم ارتباط برقرار کنیم.

چه شد که این بار با گروه آواز روی صحنه آمدید؟

ما این هنرمندانی که این بار در این گروه جدید روی صحنه آمدیم قبلا هم کار کرده بودیم و فقط آقای درخشانی در گروه های قبلی بودند. آقای فریدی و آقای چوچری که در گروه های قبلی بودند. همایون من هم که برای نا تیب هستم و با گروه آوا همیشه کار می کردیم. گروه آواز زمانی که تشکیل شده به چند طریق فعالیت کرد، دست و چندان بار هنرمندانش عوض شده. نوازندگان ستور، ترانو، در طول فعالیت عوض شده اند. نوازندگان کمانچه و تنبک و عودش ثابت مانده اند. قبلا در گروه آوا آقایان پریاگان، لطفی، شهابزیرمان طاهری، عدلیلی و بهزاد فوهری همکاری داشتند.

چه شد که همکاری نا تا با عزله و کلهر ادامه پیدا نکرد؟

ما پنج سال با آقای حسین عزله و آقای کیهان کلهر کار کردیم. آقای عزله و آقای کلهر تمهاتی داشتند و من هم مدتی بود که از گروه سابق دور افتاده بودم و هر کدام رقم سراغ گروه های قبلی ما می کردند.

بعد از پنج شش سال رفتن سراغ گروه قبلی چه حال و هوایی داشت؟

بقیه هنرمندان گروه قبلا هم با هم کار کرده بودیم. امسال آقای درخشانی به گروه اضافه شده اند که هم از نوازندگی شان استفاده می کنیم و هم از آهنگسازی شان. به نظرم هر خوبی شده است. همیشه سعی می کنم گروهی را تشکیل می دهم، گروه هم مدلی باشم. وقتی هم ملان باشم و صمیمیت باشد، حال و هوای گروه خوب خواهد بود و کار هم خوب می شود. این دفعه تشخیص دادم که این گروه با همه فحنت اند و حال و هوای خوبی دارند و من راضی بودم از این گروه.

گروه قبلی چه؟

گروه قبلی هم خوب بود. به طور کلی خوشبختانه همیشه از گروه های کمر هم جمع می شوم. برای هنم، نا تا، گروه راضی ناشم روی صحنه نمی روم. وقتی روی صحنه می روم که با گروه هم ملان باشم، ولو نو فرم باشم، اگر دو نفر روی صحنه باشم، یعنی نفر بعدی هم روی صحنه رفته.

دربان گروه آهنگسازی چه وضعیتی داشت؟

قطعه های نا تا از خود بود. من همیشه عادت دارم روی شعرها آهنگ را خودم می گذارم و بعد به دوستانی که دستی در کار آهنگسازی دارند می دهم. البته لای آن آهنگی بگذارند و تنظیم کنند. یکی دو تا از آهنگ ها را آقای چوچری رویکی دو تا هم آقای درخشانی موسیقی می لایه شان گذاشتند و تنظیم کردند. این تنظیم این آهنگ ها مثل آهنگ های بزرگ خیلی تنظیم گسترده ای نیست. یک قطعه ای به نام دیدار که قطعه طولانی بود فکر کنم ۳۵ دقیقه ای طول می کشید. این قطعه به طور کامل از آقای چوچری بود. من براسم گروه های که اینها ساخته بودند فکر کردم که چه کار می شود کرد و چه جوری می شود از آهنگ داشت که یک بخش ریمیک گذاشت و دیو بخش آوازی. این قطعه خیلی قلمه بر اساس روی جیتی بود و این که ۱۵ دقیقه طول می کشید. در پایان به لوح ششور می رسید و من خیلی از این قطعه خوشم می آمد. بعد بعد هم که در تنظیم های شروع می شد و چهل ضرب را با او سوله و جوب ها بر اساس شیوه های که داشتیم، ما همیشه سعی می کنیم که بر اساس همان شیوه خوانمان کار کنیم. البته هر بار هم می توانیم تغییر دهیم. البته البته باقیمانده هم با او کار می کنیم. این قطعه هم در آهنگسازی جلدی های هم این مان.

سورچونج را که یکی از کارهای قدیمتان است و شعرش هم از حافظ است، در این کنسرت اجرا کردید چه شد که در شب سعدی یاد

حافظ ظاهرا اشما از این کنسرت تا راضی تر هستی تا کنسرت قلبی؟

به نظرم جو خیلی خوبی داشتیم، موجی که از طرف سالن به طرف ما آمد سر مثبت و خوبی بود، خیلی مثبت و خوب بود. ما روی صحنه آرامش کامل داشتیم و می شد خیلی خوب کار کنیم و فارغ از مشکلات قبل وبعد کنسرت، به خوبی با مردم ارتباط برقرار کنیم.

چه شد که این بار با گروه آواز روی صحنه آمدید؟

ما این هنرمندانی که این بار در این گروه جدید روی صحنه آمدیم قبلا هم کار کرده بودیم و فقط آقای درخشانی در گروه های قبلی بودند. آقای فریدی و آقای چوچری که در گروه های قبلی بودند. همایون من هم که برای نا تیب هستم و با گروه آوا همیشه کار می کردیم. گروه آواز زمانی که تشکیل شده به چند طریق فعالیت کرد، دست و چندان بار هنرمندانش عوض شده. نوازندگان ستور، ترانو، در طول فعالیت عوض شده اند. نوازندگان کمانچه و تنبک و عودش ثابت مانده اند. قبلا در گروه آوا آقایان پریاگان، لطفی، شهابزیرمان طاهری، عدلیلی و بهزاد فوهری همکاری داشتند.

چه شد که همکاری نا تا با عزله و کلهر ادامه پیدا نکرد؟

ما پنج سال با آقای حسین عزله و آقای کیهان کلهر کار کردیم. آقای عزله و آقای کلهر تمهاتی داشتند و من هم مدتی بود که از گروه سابق دور افتاده بودم و هر کدام رقم سراغ گروه های قبلی ما می کردند.

بعد از پنج شش سال رفتن سراغ گروه قبلی چه حال و هوایی داشت؟

بقیه هنرمندان گروه قبلا هم با هم کار کرده بودیم. امسال آقای درخشانی به گروه اضافه شده اند که هم از نوازندگی شان استفاده می کنیم و هم از آهنگسازی شان. به نظرم هر خوبی شده است. همیشه سعی می کنم گروهی را تشکیل می دهم، گروه هم مدلی باشم. وقتی هم ملان باشم و صمیمیت باشد، حال و هوای گروه خوب خواهد بود و کار هم خوب می شود. این دفعه تشخیص دادم که این گروه با همه فحنت اند و حال و هوای خوبی دارند و من راضی بودم از این گروه.

گروه قبلی چه؟

گروه قبلی هم خوب بود. به طور کلی خوشبختانه همیشه از گروه های کمر هم جمع می شوم. برای هنم، نا تا، گروه راضی ناشم روی صحنه نمی روم. وقتی روی صحنه می روم که با گروه هم ملان باشم، ولو نو فرم باشم، اگر دو نفر روی صحنه باشم، یعنی نفر بعدی هم روی صحنه رفته.

دربان گروه آهنگسازی چه وضعیتی داشت؟

قطعه های نا تا از خود بود. من همیشه عادت دارم روی شعرها آهنگ را خودم می گذارم و بعد به دوستانی که دستی در کار آهنگسازی دارند می دهم. البته لای آن آهنگی بگذارند و تنظیم کنند. یکی دو تا از آهنگ ها را آقای چوچری رویکی دو تا هم آقای درخشانی موسیقی می لایه شان گذاشتند و تنظیم کردند. این تنظیم این آهنگ ها مثل آهنگ های بزرگ خیلی تنظیم گسترده ای نیست. یک قطعه ای به نام دیدار که قطعه طولانی بود فکر کنم ۳۵ دقیقه ای طول می کشید. این قطعه به طور کامل از آقای چوچری بود. من براسم گروه های که اینها ساخته بودند فکر کردم که چه کار می شود کرد و چه جوری می شود از آهنگ داشت که یک بخش ریمیک گذاشت و دیو بخش آوازی. این قطعه خیلی قلمه بر اساس روی جیتی بود و این که ۱۵ دقیقه طول می کشید. در پایان به لوح ششور می رسید و من خیلی از این قطعه خوشم می آمد. بعد بعد هم که در تنظیم های شروع می شد و چهل ضرب را با او سوله و جوب ها بر اساس شیوه های که داشتیم، ما همیشه سعی می کنیم که بر اساس همان شیوه خوانمان کار کنیم. البته هر بار هم می توانیم تغییر دهیم. البته البته باقیمانده هم با او کار می کنیم. این قطعه هم در آهنگسازی جلدی های هم این مان.

سورچونج را که یکی از کارهای قدیمتان است و شعرش هم از حافظ است، در این کنسرت اجرا کردید چه شد که در شب سعدی یاد